

فصلنامه علمی کاوش‌نامه

سال بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۴۵

صفحات ۲۴۱ - ۲۱۵

بررسی معانی خطاب در ساقی‌نامه‌های نظامی*

(مقاله پژوهشی)

دکتر لیلا گلوی

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد زاهدان

دکتر احمدرضا کیخا فرزانه^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد زاهدان

چکیده

ساقی‌نامه شعری است که در آن، شاعر با خطاب به ساقی و استفاده از اصطلاحات میخانه‌ای، ضمن بیان احساسات شاعرانه، نگرش خویش به جهان هستی و خصوصاً انسان را مطرح می‌کند. نظامی گنجوی نخستین شاعری است که ساقی‌نامه‌ای مستقل را درون متن منظومه لیلی و مجنون و در قالب مثنوی و بحر متقارب سروده است. او در ساقی‌نامه‌های خود، نگرش خویش را به جهان هستی و خصوصاً موضوع غنیمت شمردن فرصت، با کمک خطاب به ساقی، طرح تقاضا و بث‌الشکوی نزد وی مطرح کرده است.

در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی انجام می‌شود، تلاش شده است تا ویژگی‌های کمی و کیفی خطاب، تقاضا و بث‌الشکوی در ساقی‌نامه‌های نظامی بررسی شود. موضوع بث‌الشکوی در ساقی‌نامه‌های نظامی سه محور اصلی دارد. در این اشعار، او گاهی از ساقی، گاهی از خویش و گاهی از روزگار و اهل زمانه شکایت می‌کند. نظامی همچنین، بخوبی بر کارکرد انواع مختلف خطاب و تقاضا و اغراض آنها تسلط داشته و از آنها برای تأثیر گذاشتن بر مخاطب شعر خود بهره گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ساقی‌نامه، نظامی گنجوی، خطاب، تقاضا، بث‌الشکوی

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۴/۱۲

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: keykhayefarzaneh@azu.ac.ir

۱- مقدمه

از زمان رودکی تا عصر حاضر، شاعران زیادی نظم‌های خود را بر محور موضوع شراب، [شراب‌خواری] و اصطلاحات مرتبط با آن سروده و بتدریج گونه‌ای از شعر را پدید آورده‌اند که امروزه، آن را «خمریات» می‌خوانیم. از میان این آثار، شاعران در برخی از شعرها، ساقی را مخاطب خویش قرار داده و بدین بهانه، گفتنی‌های خود را در قالب‌های خاص و اوزان مشخصی بیان کرده‌اند. این اشعار پرمفهوم و جذاب با عنوان «ساقی‌نامه» شناخته می‌شوند. خطاب پراکنده به ساقی را از آغازین ابیات شعر فارسی تا به امروز می‌توان یافت، اما نخستین ساقی‌نامه مستقل، متعلق به نظامی گنجیه‌ای، شاعر قرن ششم هجری است.

ساقی‌نامه‌ها هم از نظر ساختار و هم از نظر محتوا، ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از عنوان کلی خمریات متمایز می‌سازد. خطاب، تقاضا و طرح شکایت جزو ویژگی‌های محتوایی این‌گونه شعرهاست. در پژوهش حاضر، ساقی‌نامه‌های نظامی از منظر کمیّت و کیفیت «خطاب به ساقی»، «تقاضا از او» و «طرح بئ‌الشکوی نزد وی»، با تأکید بر انواع و کارکردهای مختلف این سه مؤلفه بررسی شده است.

از منظر کیفی، نقش محوری و ویژگی بن‌مایه‌ای خطاب، تقاضا و بئ‌الشکوی در شکل‌گیری ساقی‌نامه‌ها قابل توجه است، بویژه آن‌که مضمون تقاضاها نیز چندان پراکنده به نظر نمی‌رسد و احتمالاً خصوصیت تکرارشوندگی دارند. همچنین، این مؤلفه‌ها از نظر کمی در شکل‌گیری و نیز افزایش تأثیرگذاری ساقی‌نامه‌ها بر روند همسوسازی خواننده با نگرش شاعر نقش دارند. این‌ها مسائلی است که تاکنون مورد توجه پژوهندگان ادبی واقع نشده و حاکی از اهمیّت تحقیق حاضر است که داده‌های آن، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای فراهم آمده و به شیوه مقایسه، تحلیل و توصیف بررسی شده‌اند.

۱-۱ پیشینه تحقیق

طی دوره‌های مختلف، در باب خمریات، ساقی‌نامه و مغنی‌نامه‌سرایي تحقیقاتی ارائه شده است؛ اما در هیچ‌یک از آنها به صورت تخصصی، مسأله خطاب، تقاضا و بث‌الشکوی در ساقی‌نامه‌های نظامی از منظر کمی و کیفی بررسی نشده است. با وجود این، نظر به سیر تاریخ ادبیات، برخی از مهمترین تحقیقات انجام شده، به این شرح هستند:

رهی معیری در مقاله‌ای با عنوان «ساقی‌نامه‌ها» (۱۳۲۹)، ضمن تأکید بر تقدّم نظامی گنجوی در خلق این گونه شعر، ساقی‌نامه‌های سایر شاعران را به پیروی از خلاقیت نظامی دانسته است. محمدجعفر محجوب در مقاله «ساقی‌نامه-مغنی‌نامه» (۱۳۳۹) بر وجه خطابی این گونه شعرها تأکید کرده و معتقد است که حافظ در ساقی‌نامه خود نتیجه‌ای را بازمی‌نمایاند که از هر کدام از دعوت‌ها در نظر داشته است. غلام‌رضا زرین‌چیان در مقاله «ساقی‌نامه در ادب فارسی» (۱۳۵۵) بر وجوه کاربردی ساقی‌نامه که همواره با خطاب همراه است، تأکید می‌کند و می‌گوید این چنین شعرهایی جنبه تفننی نداشته، بلکه جزو نیازهای مجالس طرب بوده است.

احمد گلچین معانی کتابی را با عنوان تذکره پیمانه (۱۰۲۸ق) تألیف کرده که آن را در تکمیل کتابی از ملاعبدالنبی فخرالزمانی قزوینی (وفات: ۱۰۰۱ ه.ق) با عنوان تذکره میخانه نوشته است. این دو اثر تراجم شاعران خمریه‌سرا همراه با نمونه‌هایی از شعرهای ایشان است. بهروز ثروتیان در مقاله‌ای با عنوان «فلک جز عشق محرابی ندارد: درباره ارتباط ساقی‌نامه و مغنی‌نامه حافظ با نظامی گنجه‌ای» (۱۳۷۰) وجهی از وجوه مشترک ساقی‌نامه‌های نظامی و حافظ را در بُعد تقاضا بررسی کرده و معتقد است که این هر دو ساقی‌نامه‌سرا ضمن خطاب به ساقی، نه شراب انگوری، بلکه از او «حال بی‌خودی» را طلب کرده‌اند.

ذبیح‌الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۷۳) ساقی‌نامه را تحت تأثیر خمریه‌سرایي در ادبیات عرب می‌داند. منصور رستگار فسایی در کتابی با عنوان انواع

شعر فارسی (۱۳۸۰) اشعار فارسی و از جمله، ساقی‌نامه و مغنی‌نامه را از منظر قالب و محتوا (مضمون) بررسی و هر یک را همراه با شواهدی شرح داده است. سیدمحمدجواد سهلانی در مقاله «بث‌الشکوی در شعر فارسی» (۱۳۸۲) وجوه شکایت در شعر فارسی را مطالعه کرده و بث‌الشکوی را از جمله مضمون‌های رایج در ساقی‌نامه‌ها می‌داند.

شهرزاد شیدا در مقاله «ساقی‌نامه‌ها در ادب فارسی» (۱۳۸۵) می‌نویسد که جملات خطاب‌ی ساقی‌نامه‌ها که با کلماتی مانند «بیا» و «بیار» آغاز می‌شوند، موقوف‌المعانی هستند و تنها پس از بیان غرض از خطاب به معنای کامل خود می‌رسند. سیداحمد حسینی کازرونی در مقاله «تبیین حقایق عرفانی و معرفت‌شناسی در ساقی‌نامه‌های ادب فارسی» (۱۳۸۶) شراب و ترکیبات و مترادف‌های آن را که در ساقی‌نامه‌ها تقاضا می‌شود، از مقولات اخروی و محصول آشنایی شاعران با قرآن و خصوصیات بهشت می‌داند.

سیدعلی اصغر میرباقری فرد و زهره اسماعیلی در پژوهشی با عنوان «بررسی نظریه ارتباط و خطاب در مثنوی» (۱۳۸۸) ضمن مطالعه انواع خطاب در مثنوی معنوی، بسامد بالای منادا در این‌گونه آثار را حاصل سرایش در محفل حاضران دانسته‌اند که موجب ارتباط قوی‌تر میان گوینده و مخاطب می‌شود. دقت در گزینش صحیح واژه و کلام هم باعث ایجاد کارکرد انگیزشی در ابیات می‌شود. احترام رضایی در کتاب *ساقی‌نامه در شعر فارسی* (۱۳۸۸) به صورت مفصل به ساقی‌نامه‌سرایی پرداخته و خطاب و تقاضا را جزو لاینفک این دسته اشعار می‌داند. صفورا فدایی‌زاده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «زمینه‌های پیدایش می‌عرفانی» (۱۳۸۸) تأثیر روندهای اجتماعی را عامل عبور از می‌زمینی به می‌عرفانی دانسته است.

آزاد مظهری در رساله دکتری خود با عنوان «تأثیر اندیشه‌های خیّامی بر ساقی‌نامه‌های فارسی» (۱۳۸۸)، با تأکید بر ساقی‌نامه‌های مندرج در تذکره میخانه و پیمان، می‌نویسد که اندیشه اغتنام فرصت عامل اصلی توجه شاعران به ساقی‌نامه‌سرایی و تقاضای می از ساقی بوده است. فرزاد فرزی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «نقد و بررسی

ساقی‌نامه‌های عصر صفوی» (۱۳۸۹) نظر ذبیح‌الله صفا را پذیرفته و آن را «مولود خمیری» می‌داند که «در ادب عربی و سپس در شعر فارسی از روزگار رودکی و بشّار و منوچهری آغاز شد.»

سیدمرتضی هاشمی در تحقیقی با عنوان «نکته‌ای چند دربارهٔ تحوّل شکلی و معنایی ساقی‌نامه‌ها» (۱۳۹۲) با تأکید بر تذکرهٔ میخانه، تحوّل شکلی در ساقی‌نامه‌ها و سرودن این‌گونه شعرها در قالب‌هایی به غیر از مثنوی (همچون ترجیع‌بند و ترکیب‌بند) و تحوّل محتوایی آن‌ها، شامل گسترش معنا، گنجاندن موضوعات متنوع به این شعرها، یافتن تعبیر تازه‌ای برای «می» مطلوب ساقی‌نامه‌ها را مطالعه کرده است. محمدحسین مقیّسه در مقالهٔ «درون‌مایهٔ ساقی‌نامه‌ها» (۱۳۹۲) ظرفیت محتوایی ساقی‌نامه‌ها را وسیع‌تر از آن چیزی می‌شمرد که از عنوان و ظاهر این دست اشعار استنباط می‌شود تا جایی که می‌توان در همین خطاب و تقاضاها نمودی از شرایط سیاسی و حتّی بین‌المللی جامعه را یافت. زهرا شفیعیان در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی و تحلیل ساقی‌نامه‌های ادب فارسی، بر اساس پنج شاعر برجسته» (۱۳۹۲) می‌گوید نکات حکمت‌آمیز، اخلاقی، آرمان‌گرایانه و حتّی شورش‌گرانه از خلال خطاب‌ها و تقاضاهای موجود در ساقی‌نامه‌ها و مغنی‌نامه‌ها قابل استنباط است.

۲- بحث

در ادامه، پس از معرفی مختصر نظامی گنجوی و آثار وی و نیز تعریف موجز ساقی‌نامه، خطاب، تقاضا و بث‌الشکوی، به استخراج و گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل داده‌هایی می‌پردازیم که از دو ساقی‌نامهٔ نظامی به‌دست می‌آید.

۱-۲ نظامی گنجوی

جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید، متخلص به «نظامی» و ملقب به «حکیم نظامی» به سال ۵۳۵ ه. ق در گنجه به دنیا آمد و به سال ۶۰۷-۶۱۲ ه. ق وفات یافت. وی علاوه بر علوم ادبی، نجوم، علوم اسلامی و زبان عرب می‌دانسته است. در کنار دیوان غزلیات و قصاید، خمسه او، شامل: *مخزن الاسرار*، *خسرو و شیرین*، *لیلی و مجنون*، *هفت پیکر* و *اسکندرنامه* از آثار مهم ادب فارسی و حتی ادبیات جهان است.

نخستین ساقی‌نامه نظامی را در *لیلی و مجنون*، ذیل عنوان «در صفت حال خویش و یاد گذشتگان» می‌یابیم. در این شعر ۳۳ بیت با خطاب به ساقی آغاز می‌شود و به همین سبب، برخی محققان تنها این ابیات را به‌عنوان ساقی‌نامه در نظر گرفته‌اند، اما لزومی ندارد که همه ابیات یک ساقی‌نامه با خطاب به ساقی ابتدا شود. (پارسا و آزاد مظهر، ۱۳۸۹: ۵۷؛ برای مقایسه تعداد واقعی ابیات ساقی‌نامه و معنی‌نامه در تذکره میخانه و نسخه دستگردی، ن.ک: همان: ۵۸). در نسخه مسکو این شعر ۱۳۶ بیت دارد و در تحقیق حاضر به‌منزله «نخستین ساقی‌نامه نظامی» بحث شده است (نظامی، ۱۳۹۰: ۳۸۳-۳۷۸).

ساقی‌نامه دیگر در *اسکندرنامه* آمده (نظامی، ۱۳۹۰: ۱۰۱۶-۷۷۵) و در این تحقیق، از آن با عنوان «ساقی‌نامه دوم نظامی» یاد شده است. *اسکندرنامه* دو بخش با عناوین «شرف‌نامه» و «قبال‌نامه (خردنامه)» دارد و ساقی‌نامه مذکور در *شرف‌نامه* ذیل عنوان «در حسب حال خویش و گذشتن روزگار» آمده و دوبیت نخست آن، همان است که شامل خطاب با ساقی و سایر مختصات ساقی‌نامه‌ای است (همان: ۷۷۵) آن‌گاه در آغاز هر یک از داستان‌های بعدی نیز دو بیت با خطاب به ساقی آمده که از مجموع آن‌ها می‌توان به یک ساقی‌نامه دست یافت. اختلاف تعداد ابیات این ساقی‌نامه در تذکره میخانه (۳۸ بیت) و نسخه دستگردی (۹۴ بیت) می‌تواند به سبب اختلاف نسخ باشد.

محققان به این نکته توجه کرده‌اند که روایت فخرالزمانی قزوینی بر اساس نسخه خطی عبدالحسین بیات بوده «در حالی که نسخه تصحیح دستگردی، بنا به اظهار خود او،

از مجموع سی نسخه خطی پدیدآمده است». این دو، از ابیاتی که در تذکره میخانه نیامده است، یاد کرده‌اند. (پارسا و مظهری، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۴) همچنین، در باب علت احتمالی پراکندگی ابیات تابع و شارح معروف *حمسه نظامی* پس از نقل این شعرها نکته‌ای ذکر می‌شود بدین مضمون که «در آغاز هر قسمت از افسانه از اول تا آخر کتاب دو بیت ساقی‌نامه و چند بیت اندرز دیده می‌شود و گویی پس از هر افسانه، حکیم از گفتار خسته و فرسوده شده برای دفع خستگی از ساقی روحانی باده نشاط می‌طلبد» (دستگردی، بی‌تا: ۸). البته درباره این مسأله، یعنی جمع‌آوری ابیات پراکنده، نظرات مخالفی هم وجود دارد و برخی آن را زاییده سلیقه شخصی فخرالزمانی قزوینی می‌دانند (همان: ۵۸-۵۹).

۲-۲ ساقی‌نامه

تعریف‌های مختلفی برای ساقی‌نامه ارائه شده است (مثلاً ن.ک: دهخدا، ذیل ساقی‌نامه؛ معین، ذیل ساقی‌نامه؛ عمید، ذیل ساقی‌نامه؛ میرهاشمی، ۱۳۸۴: ۵۳؛ فخرالزمانی، ۱۳۶۷: ۳۱؛ جوکار، ۱۳۸۵: ۱۰۰؛ صفا، ۱۳۶۶: ۹۱۶) که اگرچه تقریباً هیچ‌یک جامع و مانع نیست، اما برای منظور ما کافی است.

مثلاً، گفته‌اند: «ساقی‌نامه و مغنی‌نامه که اجزای یک منظومه مستقل را تشکیل می‌دهد، ابیاتی است خطابی، در بحر متقارب مثنی مقصور یا محذوف که در آن شاعر با خواستن باده از ساقی و تکلیف سرودن و نواختن به مغنی، مکنونات خود را درباره دنیای فانی و بی‌اعتباری مقام و منصب ظاهری و کج‌روی چرخ و ناهنجاری روزگار و نگون‌بختی و بی‌وفایی یار و جفای اغیار و دورویی ابناء زمان و صفای اهل دل و مذمت زاهدان ریایی و مانند این‌ها ظاهر و آشکار می‌سازد و در ضمن بیان این مطالب، کلمات حکمت‌آمیز و نکات عبرت‌انگیز نیز بر آن می‌افزاید.» (گلچین معانی، ۱۳۵۹: ۱) با وجود این، ساقی‌نامه‌هایی در غیرقالب مثنوی و حتی وزن غیرمقارب هم وجود دارد.

۲-۳ خطاب

امروزه بحث از «خطاب» بیش‌تر به عنوان سر فصل مهمی در علم اصول مطرح می‌شود. (ن.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۴۴۸) با این حال، در بلاغت ادبی و علم معانی هم به مسأله «خطاب» توجه می‌شود. این واژه، در لغت، «مصدر دیگر برای مخاطبه و سخن رویاروی (و یا) کلامی است که مابین سامع و متکلم باشد» (دهخدا، ذیل خطاب). خطاب انواع مختلفی دارد، مانند: خطاب استعطاف (خطاب و دل‌جویی)، خطاب اهانه (خطاب و اهانت)، خطاب تعجب (خطاب و پرهیز دادن)، خطاب تعجیز (خطاب و اظهار ناتوانی)، خطاب تلوین (التفات از کسی به دیگری)، خطاب تهییج (خطاب و به شوق آوردن)، خطاب ذم، خطاب مدح، خطاب کرامه (خطاب همراه تکریم)، خطاب خاص و خطاب عام (همان‌جا).

از جمله انواع خطاب‌ها که در بررسی ساقی‌نامه‌ها به کار می‌آید، «خطاب ارشادی» است: «اوامر و نواهی فاقد ثواب و عقاب مستقل... و به خطابی گفته می‌شود که بر طلب حقیقی دلالت نمی‌کند، بلکه بر طلب صوری دلالت می‌نماید و در حقیقت، از وجود مصلحت و یا مفسده در عملی خبر می‌دهد که انجام آن در ضمن امر دیگری از مکلف خواسته شده و یا جداگانه از آن نهی شده است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۴۴۹). در نتیجه، خطاب ارشادی اهل اصول، در واقع نوعی از «خطاب تهییج» در تقسیم‌بندی دهخدا است. همچنین، «خطاب عرفی» هم در بررسی ساقی‌نامه‌ها اهمیت دارد و آن خطابی است که به قصد بیان احکام عرفی متوجه شخص می‌شود، مانند این‌که به کسی بگویند: آب بیاور (همان: ۴۵۱). خطاب از منظر بحث «ندا» هم قابل توجه است. اساساً این‌گونه جملات «خبری» (که محمل صدق و کذب هستند) به حساب نمی‌آیند، بلکه نوعی «امری» انشاء است (شمیسا، ۱۳۹۱: ۸۵) و خود انواعی دارد که در ساقی‌نامه‌ها می‌توان برخی از این انواع، مثل عبرت، تمنی و تقاضا و آرزو، ارشاد و ترغیب و تشویق، تهدید و تحذیر، تعجیز، تعریض، اذن و اجازه، تعجب و استرحام را ملاحظه کرد. (همان: ۱۵۲-۱۴۹)

۲-۴ تقاضا

خطاب همراه با تقاضا یا به‌اختصار «خطاب تقاضا» از دیگر مفاهیمی است که مکرراً در ساقی‌نامه‌ها مشاهده می‌شود و جزو ویژگی ساقی‌نامه است. «تقاضا (به معنای) درخواست و طلب و خواهش و مطالبه» است. (دهخدا، ذیل تقاضا) در این نوع از خطاب، خطاب‌کننده علاوه بر آن‌که مخاطب را می‌خواند، از او درخواستی دارد و عموماً خطاب‌های اصولی، بخش مهمی از جملات امری در ادبیات را شامل می‌شود.

مجموع خطاب‌های موجود در ساقی‌نامه‌های نظامی از این نوع است، ولو آن‌که ظاهر آن (شبیبه خطاب شرعی) و مثلاً در باب حلت و حرمت شراب باشد. از آنجا که فرض بر آن است که هر خطاب حاوی امری (تقاضایی) است، در فرهنگ‌نامه‌ها میان «خطاب تقاضا» و «خطاب محض» تمایزی قائل نشده‌اند، حال آن‌که در ادبیات ممکن است کسی یا چیزی (همراه یا بدون «ادات ندا») «منادا» واقع شود، در صورتی‌که آن «ندا» حاوی تقاضا نباشد.

در ادبیات، درباره خطاب تقاضا معمولاً (بدون ذکر این عنوان) در حوزه علم معانی و ذیل مباحث «جملات امری» بحث می‌شود و با این حال، بلاغیون اغلب به مفاهیم هم‌طراز در علم اصول هم توجه دارند. (شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۴۸) جملات امری اغراض مختلفی مانند «عبرت»، «دعا»، «تمناً و تقاضا و آرزو»، «ارشاد و ترغیب و تشویق»، «تهدید و تحذیر»، «تعجیز»، «تعریض»، «تسویه و تخییر»، «اذن و اجازه»، «تعجب»، «استهزاء و تحقیر»، «استرحام» و «نهی» دارد. (همان: ۱۵۵-۱۴۹)

۲-۵ بث الشکوی

«خطاب همراه با شکایت» یا به‌اختصار «خطاب شکایت» از دیگر انواع خطاب، خصوصاً در ساقی‌نامه‌ها است که طی آن، خطاب‌کننده ضمن مخاطب قرار دادن کسی، از چیزی شکایت می‌کند. شکایت‌شونده و موضوع شکایت دارای تنوع است (که به آن‌ها خواهیم

پرداخت.) در لغت، «بث الشکوی» اسم مصدر عربی است، به معنای «آشکار کردن راز و اندوه سخت است و بازگفتن آنچه در اندرون است.» (دهخدا، ذیل بث الشکوی) در دانش نامه بزرگ اسلامی، ذیل عنوان «بث الشکوی» آمده که عنوان برای اشعاری است که مضمون و محتوای آنها شکوه و شکایت از دردها و رنج‌هایی باشد که شاعر متحمل شده است... بث الشکوی را می‌توان براساس کتب بلاغی و بدیعی از یک سو و نیز بر بنیاد نگرش‌های جدید که از منظر محتوا به شعر و ادب نگریسته می‌شود، از سوی دیگر بررسی کرد:

الف) دیدگاه قدیم: موضوعی غیرمستقل، ضمن صنعت بدیعی «کلام جامع» یعنی کلامی که شاعر در آن، حکمت و موعظه و شکایت از روزگار و مسائلی از این دست را بیان کند.

ب) دیدگاه جدید (پس از مشروطه): شکوه و شکایت به مثابه یکی از درون‌مایه‌های شعر است که گاه وصفی درونی و توصیف حالتی روانی محسوب است و گاه بر قصیده‌ای اطلاق می‌شود که موضوع آن، شکوه و شکایت است.

انواع بث الشکوی را بدین شرح می‌توان طبقه‌بندی کرد: از نظر بیان و زبان به «شکوه‌های طنزآمیز» و «شکوه‌های جدی» و از نظر محتوا به «شکوه‌های شخصی» (شامل: شکوه‌های عاشقانه و شکوه‌های عارفانه)، «شکوه‌های اجتماعی»، «شکوه‌های سیاسی» و «شکوه‌های فلسفی» تقسیم می‌شود (دادبه، ۱۳۸۱: ج ۱۱، ۴۴۸۴).

۲-۶ انواع خطاب، تقاضا و بث الشکوی در ساقی نامه‌های نظامی

در هر دو ساقی نامه نظامی، مخاطب از نوع خاص است و شاهدی بر مخاطب عام وجود ندارد. در ضمن، موردی که در آن، خطاب فارغ از تقاضا صورت گرفته باشد نیز مشاهده نشد. البته این بدان معنا نیست که امکان آن وجود ندارد، بلکه ممکن است شاعری در شعر خود، ممدوح خویش را (حتی به تواتر) صرفاً مورد خطاب قرار دهد و غرضی جز

همین منادا قرار دادن ممدوح نداشته باشد. در این صورت ممکن است که هدف شاعر افزایش فرصت گفتگو با ممدوح باشد. از این رو، تمام خطاب‌های این دو شعر، همراه تقاضا و خطاب به مخاطب خاص هستند.

۲-۶-۱ انواع خطاب تجنب و تهییج، بدون بث‌الشکوی:

در بعضی از ابیات ساقی‌نامه‌های نظامی شاعر به ساقی خطاب می‌کند و از او چیزی می‌طلبد، اما شکایتی مطرح نیست. مطلوب او غالباً می‌است و شیوه شاعر در تقاضای می از ساقی بسیار متمایل به «خطاب استعطف» است. همچنین، در این اشعار، عمده شواهد «خطاب تقاضا» (یا در این جا، خطاب استعطف) از نوع خطاب تهییج به مخاطب خاص است. در این شعرها، مخاطب، فردی معلوم، یعنی کسی است که شاعر او را «ساقی» می‌خواند. شاعر با خطاب به ساقی، او را به دادن می تهییج می‌کند. البته شدت تهییج می‌تواند متفاوت باشد.

ساقی‌نامه نخست نظامی:

ساقی ز خم شراب خانه پیشش آرمی‌ای چو نار دانه

(همان: ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۸۰)

در ساقی‌نامه دوم نیز، برخی از شواهد فقط حاوی خطاب و تقاضای می‌است:

بیا ساقی از می مرا تازه کن چو مستم قدح را به اندازه کن

(همان: ۷۶۹)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، خطاب‌ها از نوع تهییج هستند.

بیا ساقی از خم دهقان پیر میی در قدح ریز چون شهد و شیر

نه آن می که در مذهب آمد حرام میی کاصل مذهب بدو شد تمام

(همان: ۷۷۴)

در این مثال، بیت اول حاوی «خطاب تهییج» و بیت دوم حاوی «خطاب تجنّب» است. چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، ممکن است برخی خطاب‌ها در ساقی‌نامه‌ها به‌ظاهر، شباهت با «خطاب شرعی» داشته باشند، اما روشن است که در این‌جا شاعر خود را در جایگاه صادرکننده احکام شرعی قرار نداده و این خطاب نیز در باطن همان خطاب عرفی است. در دو ساقی‌نامه شاعر گنجه‌ای انواع خطاب‌ها را می‌توان ملاحظه کرد و گاهی انواعی از خطاب در پی یکدیگر آمده است:

خاکی شو وز خطر میندیش خاک از سه گهر به ساکنی پیش

در این بیت، «خاکی شو» حاوی تهییج و تشویق و «از خطر میندیش» شامل تجنّب و «خاک از سه گهر به ساکنی پیش» از نوع مدح و کرامه است. در ساقی‌نامه دوم نظامی:

بیا ساقی آن آب یاقوت وار در افکن بدان جام یاقوت‌بار

(همان: ۷۷۶)

باید توجه داشت که خطاب و تقاضا (و نیز بث‌الشکوی) کارکردی دوسویه دارند؛ چرا که در مجموع، هدف از خطاب و تقاضاهایی که شاعر در ساقی‌نامه‌های خود می‌آورد، تأثیر بر مخاطب شعر است. به عبارت دیگر، اگرچه در ساقی‌نامه، به‌ظاهر، روی سخن با ساقی است، اما باید توجه داشت که شعر نهایتاً برای خوانش توسط خواننده آن سروده شده و اگر نه چنین باشد که همه توجه شاعر به خواننده است، لاف‌نیم‌نگاهی به او دارد. لذا، مثلاً خطاب تهییج یا تجنّب، علاوه بر آن‌که قرار است بر «مخاطب درونی» شعر (ساقی) اثر کرده و او را مثلاً به پرهیز از تعلل و دادن می تشویق کند، «مخاطب بیرونی» (خواننده) شعر را نیز به سوی منظور شاعر فرامی‌خواند.

۲-۶-۲ انواع خطاب تجنب و تهییج، همراه ب‌الشکوی مستقیم یا غیرمستقیم: ب‌الشکوی از مفاهیم پربسامد در ساقی‌نامه‌ها است. در دو اثر نظامی نیز چنین است و شاعر گنجه از طرح شکایت به عنوان ابزاری کارآمد، جهت تأثیرگذاری بر مخاطبان خویش بهره می‌گیرد. در بسیاری از خطاب‌های موجود در ساقی‌نامه‌های نظامی، ب‌الشکوی وجود دارد. با این حال، موضوع شکایت‌ها مختلف و درجه تصریح نیز در آن‌ها متفاوت است. به سخن دیگر، گاه شاعر صراحتاً به شکایت از چیزی پرداخته و گاه این شکایت را در لایه‌های درونی‌تر معنا قرار دارد که از طریق تفسیر آشکار می‌گردد. در این ب‌الشکوی‌ها متشاکی (شکایت‌شونده) ممکن است، ساقی، شاعر یا موضوعات دیگر، مثل روزگار و کوتاهی عمر و... باشد. از سوی دیگر، نوع خطاب نیز (مانند شواهد پیشین) می‌تواند متفاوت باشد. اینک ساقی‌نامه نخست نظامی را که حاوی ب‌الشکوی است، با توجه به «موضوع شکایت» و «مخاطب» آن مطالعه می‌کنیم:

۲-۶-۲-۱ شکایت از حال خود و زندگی، با خطاب به ساقی:

طرح ب‌الشکوی از حال خود ممکن است از حالت کاملاً مستقیم، تا کاملاً غیرمستقیم (کنایی)، متفاوت باشد:

ساقی منشین که روز دیرست می ده که سرم ز شغل سیرست
(همان: ۳۸۱)

در این شاهد، خطاب از نوع تجنب و مخاطب آن ساقی است. همچنین، در مصراع دوم، شاعر از حال خود و گرفتاری‌های زندگی شکایت کرده است. در بیت زیر، خطاب به ساقی و موضوع شکایت، حال خود و در واقع، غمگینی شاعر است:

ساقی نفسم ز غم فروبست می ده که به می ز غم توان رست
(همان: ۳۸۳)

در بیت زیر نیز بث‌الشکوی از حال خود مطرح است:

ساقی پی بارگیم ریش است می ده که ره رحیل پیش‌ست
(همان: ۳۷۹)

شاعر ضمن خطاب تهییج به ساقی، از او می‌طلب کرده و با ریش (زخمی) خواندن «پی بارگی» خویش و اشاره به طولانی بودن راهی که در پیش دارد، با کنایه، نسبت به احوال روحانی خود طرح شکایت می‌کند.

ساقی می‌مشکبوی بردار بند از من چاره‌جوی بردار
(همانجا)

در این بیت نیز، علاوه بر خطاب تهییج به ساقی، بث‌الشکوی از حال خود مطرح است. شاعر از ساقی خواسته است تا با دادن می به او، بند را از او که چاره‌جو است، بردارد. به عبارت دیگر، شاعر خود را در اسارت (نفس، غم و...) و مضطرب که به دنبال چاره است، معرفی می‌کند.

ساقی منشین به من ده آن می کز خون فسرده، بر کشد خوی
(همان: ۳۷۸)

در مصراع نخست، دو خطاب به ساقی مشاهده می‌شود که اولی از نوع تجنّب و دومی از نوع تهییج است. در مصراع دوم، شاعر مخمور از ساقی درخواست کرده است که می به او بدهد که «از خون فسرده خوی برکشند»؛ این کنایه بدان معناست که شاعر از حال خود شکایت دارد. گاهی بث‌الشکوی از حال خود، به صراحت شواهد پیش نیست؛ اما از طریق تأویل ابیات قابل دست‌یابی است:

ساقی به کجا که می پرستم تا ساغر می دهد به دستم
(همان: ۳۷۸)

در این بیت، مخاطب، ساقی و خطاب از نوع تهییج است. از سوی دیگر، دو مورد بث‌الشکوی نیز در این بیت مستتر است که از طریق تأویل، آشکار می‌گردد:

الف) در عبارت «ساقی به کجا» شکایت از تعلل ساقی به صورت کاملاً غیرمستقیم و کنایی وجود دارد.

ب) همچنین، این تهییج و درخواست تعجیل از ساقی در دادن می، حاوی اضطراب شاعر به علت خماری است و در نتیجه، شامل شکایت غیرمستقیم از حال خود می‌شود. در بیت بعد، مصراع نخست حاوی خطاب به ساقی از نوع تهییج و مصراع دوم شامل اضطراب شاعر مخمور و به صورت کنایی، حاوی شکایت از حال خود است:

ساقی به من آور آن می لعل کافکند سخن در آتشم نعل
(همانجا)

در بیت ذیل، علاوه بر آن که مصراع نخست حاوی خطاب تجنب به ساقی است، در ابتدای مصراع دوم خطاب تهییج به او دیده می‌شود. همچنین، از این که شاعر نشاط شیرین می‌طلبد، می‌توان دریافت که وی فاقد نشاط است و از این حال خویش شکایت دارد.

ساقی ز می و نشاط، منشین می، تلخ ده و نشاط، شیرین
(همان: ۳۸۰)

۲-۶-۱-۱ شکایت از خودآگاهی و نفس:

اگرچه این موضوع ذیل شکایت از حال خود قرار می‌گیرد، ولی به جهت بسامد بالای آن در ساقی‌نامه دوم، جداگانه بررسی می‌شود. در این دست شواهد، موضوع محوری اغلب، خودآگاهی مذومی است که شاعر آرزوی رهایی از آن را دارد:

بیا ساقی، از می نشان ده مرا از آن داروی بی‌هشان ده مرا
بدان داروی تلخ، بیهش کنم مگر خویشتن را فرامش کنم
(همان: ۷۷۵)

شاعر در بیت نخست، با «بیا ساقی» به او خطاب می‌کند و سپس با «داروی بی‌هشان» خواندن می به کنایه، از ساقی شراب تقاضا می‌کند. در بیت دوم، شاعر از ساقی می‌خواهد

تا با آن دارو، وی را بی‌هوش کند تا بدین وسیله، یعنی در حال بی‌هوشی، «خویشتن» را فراموش کند.

قابل ذکر این‌که بئالشکوی در این بیت، بتصریح بیان نشده است؛ بلکه خواننده شعر از این‌که شاعر می‌خواهد از دست خودآگاهی مدموم رهایی پیدا کند، درمی‌یابد که نظامی از آن خودآگاهی مدموم شکایت دارد:

بیا ساقی آن ارغوانی شراب به‌من ده که تا مست‌گردم خراب
مگر زان خرابی نوایی زخم خراباتیان را صلابی زخم
(همان: ۷۶۳)

همچنین، «تاریکی درون»، «نافرمانی و ناخوشی نفس به اسارت‌رفته» و خصوصاً «آگاهی مدموم» که موجب داوری‌های دردسرساز و بیهوده می‌شود یکی از مواضعی است که نظامی در ساقی‌نامه خویش، بئالشکوی خود را متوجه آن ساخته است:

بیا ساقی از خود رهاییم ده ز رخشنده می‌روشنایم ده
می‌کو ز محنت رهایی دهد به آزردهگان، مومیایی دهد
(همان: ۷۸۳)

۲-۲-۶-۲ شکایت از حال خود و زندگی، با خطاب به خویشتن:

در برخی ابیات، خطاب شاعر به خود (و نه به ساقی) است و در آن بئالشکوی از روزگار مشاهده می‌شود. گاهی نوع شکایت از روزگار در خطاب به خود و به صورت غیرمستقیم است که تنها از طریق تأویل و تفسیر به‌دست می‌آید:

در رقص، رونده چون فلک باش گو جمله راه پر خسک باش
مرکب بده و پیادگی کن سیلی خور و روگشادگی کن
(همان: ۳۸۲)

در مصراع دوم شاهد نخست، سخن از «پُرخسک» بودن راه است. به دیگر سخن، شاعر به صورت غیرمستقیم روزگار و زندگی را مانند راهی پُرخسک دانسته و از این ویژگی زندگی، گله کرده است. در شاهد دوم، امر به «سیلی خوردن و روگشادگی کردن» حاوی این مفهوم است که مردم روزگار «سیلی‌زننده» هستند. در نتیجه، بیت حاوی شکایت غیرمستقیم از اهل روزگار است. البته گاهی نیز بثلثکوی از روزگار وجه بارزتری به خود گرفته است، مثلاً در بیت ذیل، شاعر با «تلوین» و انتقال روی سخن، از ساقی (در بیت ماقبل آن) به خود به طریق التفات، ضمن خطاب تجنّب، بصراحت از روزگار گله ابراز می‌کند:

چون مار مکن به سرکشی میل کاینجا ز فقا همی رسد سیل

(همان: ۳۸۰)

همچنین، می‌توان گفت این خطاب می‌تواند از نوع «اهانه» هم باشد، چراکه انذار دادن خویش از «سرکشی» و «چون مار بودن» حاوی سرزنش و اهانت است. خطاب اهانه را در ابیات دیگری نیز می‌توان مشاهده کرد. مثلاً:

تا چند چو یخ فسرده بودن در آب چو موش مرده بودن؟

(همانجا)

در این بیت، شاعر ضمن شکایت از حال خود، خطاب به خویشی کرده است. این خطاب حاوی انذار و ارشاد و در واقع از نوع تجنّب است، چرا که شاعر در آن، خود را از فسرده بودن مانند یخ و چون موش مرده در آب بودن، پرهیز می‌دهد. در عین حال، این خطاب از نوع اهانه نیز هست. در ابیات ذیل نیز روی خطاب شاعر به خود بوده و از حال خود، یا به صورت دقیق‌تر، از شیوه زندگی کردن خویش ابراز شکایت کرده است:

پایین طلب خسان چه باشی دست خوش ناکسان چه باشی

گردن چه نهی به هر قفایی راضی چه شوی به هر جفایی

(همان: ۳۸۱)

در هر دو بیت، خطاب تجنّب وجود دارد. در عین حال، این خطاب‌ها ارشادی هستند. در ضمن، از آن‌جا که کسی را این‌گونه انذار می‌دهند که او پیش از آن، این خصوصیات را داشته است، می‌توان نوع خطاب را «اهانه» و «ذم» نیز دانست. خطاب تجنّب و ذم، همراه با بث‌الشکوی از شیوه زندگی کردن خویش را در ابیات دیگر نیز می‌توان ملاحظه کرد. (همان: ۳۸۰ و ۳۸۱) این‌گونه خطاب فقط در خطاب به خود دیده می‌شود. در ضمن، برخی خطاب‌های ساقی‌نامه نظامی (بر خلاف موارد فوق)، از نوع «کرامه» و «مدح» است:

با ذره‌نشین چو نور خورشید تو کی و نشاط‌گاه جمشید

(همانجا)

البته در بیت فوق بث‌الشکوی دیده نمی‌شود. همچنین، در برخی ابیات این ساقی‌نامه که (کم یا بیش) حاوی بث‌الشکوی کنایی نیز هست، خطاب تجنّب یا تهییج، وجه ارشادی روشن‌تری به خود گرفته است:

چون کوه بلند پشتی کن با نرم جهان درشتی کن
چون سوسن اگر حریر بافی، دردی خوری از زمین صافی
... دل نه به نصیب خاصه خویش خاییدن رزق کس میندیش

(همان: ۳۸۱؛ ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۳)

یکی دیگر از انواع خطاب که مرور شد، «خطاب تعجیز» است که طی آن، ناتوانی در انجام امری را به مخاطب نسبت می‌دهند:

زین دامگه، اعتکاف بگشای بر عجز خود، اعتراف بنمای

(همان: ۳۸۱)

در ساقی‌نامه نظامی، مفهوم «تعجیز» گاهی بصراحت و گاهی بالکنایه مطرح شده است:

در راه تلی بدین بلندی گستاخ مشو به زرومندی
با یک سپر دریده چون گل تا چند شغب کنی چو بلبل
ره پُرشکن‌ست پربیفکن تیغ است قوی سپر بیفکن

صحبت چو غله نمی‌دهد باز جان در غله دان خلوت! نداز
بر خشک صحیفه چند خوانی بی‌آب جمازه چند رانی
(همانجا)

در زورمندی و بث‌الشکوی از روزگار
در امکانات انسانی و بث‌الشکوی از روزگار و قوت آن
برابر روزگار و بث‌الشکوی از قوت رقیب
تعجیز در کارآیی سخن و بث‌الشکوی از اهل روزگار
تعجیز در مقابله با روزگار و بث‌الشکوی از قوت رقیب (روزگار)
از دیگر انواع خطاب، «خطاب اهم» است که ذکر آن رفت. در شاهد ذیل نظامی از
این نوع خطاب بهره برده است:

بار همه می‌کش ار توانی بهتر چه ز بار کش رهانی
(همان: ۳۸۲، ۳۸۳)

۲-۶-۲-۳ شکایت از حال خود و زندگی، بدون خطاب:

در برخی از ابیات ساقی‌نامه‌های نظامی، بث‌الشکوی فارغ از خطاب ملاحظه می‌شود. در
این موارد معمولاً شکایت صراحت دارد و البته موضوع آن متفاوت است. مثلاً نظامی در
ساقی‌نامه نخست خویش می‌سراید:

در این بیت، شاعر از حال خویش به بث‌الشکوی پرداخته است. نظامی از تنگ‌دلی
خویش گله‌مند است و قصد خود از توسل به می را بازگشودن آن دل تنگ اعلام می‌کند.
موضع بث‌الشکوی در بیت بعد از آن، «شیری نشسته بر گذرگاه» است. در این جا، «شیر»
و «گذرگاه» هر دو استعاره هستند. ممکن است منظور شاعر از «شیر» نفس بدفرمای
خویش باشد که در این صورت، گله از نفس خود و منظور از «گذرگاه» نیز زندگی

خواهد بود. همچنین، ممکن است منظور نظامی از «شیر» غصه‌ها و غم‌ها باشد که در این‌وجه، گذرگاه حال خود خواهد بود.

دیگر آنکه در بیت بعد از آن، موضوع بث‌الشکوی عمر و گذران آن و یک‌سان نبودن شرایط زندگی باشد؛ چرا که در مصراع دوم، شاعر می‌گوید که پیش از این حالت شاد و پرنشاطی داشته، اما اینک آن را از دست داده است و سپس در بیت بعد، بر همین گذران عمر و تغییر شرایط زندگی تأکید و پیش‌بینی می‌کند که به هر صورت، زمانه و یا حال و احوالی که در زمان سرایش شعر در آن قرار داشته نیز می‌گذرد و حال و وضعیت او از آنی که بوده نیز بدتر خواهد شد.

نظامی در ابیات زیر نیز به طرح شکایت پرداخته است:

گر مادر من رئیسۀ کُرد مادرصفتانه پیش من مرد

از لابه‌گری را کنم یاد تا پیش من آردش به فریاد

(همان: ۳۷۹، ۳۷۸)

نظامی ابتدا از مرگ مادر که بسیار در حق او مادری (غم‌خواری و مهربانی) کرده است، شکایت می‌کند. در بیت دوم، او به نقد این شرایط پیش‌آمده پرداخته و از این که کسی نمی‌تواند ضایعۀ فقدان مادرش را جبران کند، گله می‌کند. به عبارت دیگر، این گلایه از دهر است که نه با انسان‌ها سر سازگاری دارد و نه می‌توان درباره آن چاره‌ای کرد.

نظامی در دو بیت بعد از اینها، از فراوانی غم‌های روزگار که مادرش را از پای درآورده گلایه دارد و نهایتاً، ضمن بث‌الشکوی مجدد از فراوانی غم‌های روزگار، تنها راه علاج را فراموشی معرفی می‌کند. شاعر در ابیاتی دیگر از همین ساقی‌نامه از غم و رنج از دست دادن پشتیبان دیگرش (دایی او، خواجه عمر) بث‌الشکوی می‌کند که فقدان او موجب وبال نظامی شده است. در آنجا تلخ‌کامی‌ای که دچار نظامی است، شاعر را به شکایت و گله‌مندی وامی‌دارد، چنانکه گویی دیگر نایی برای گفتن شکایات در او نمانده

است و اگر بیش از این، به بث‌الشکوی پردازد، این رنج‌ها و غم‌ها شاعر را نیز از پای درآورد(همان: ۳۷۹).

شکایت از دهر و اهل روزگار یکی از پربسامدترین موضوع‌ها در بث‌الشکوی شاعران، خصوصاً در ساقی‌نامه‌هاست:

تا کی دم اهل؟ اهل دم کو همراه کجا و هم قدم کو
(همانجا)

و نیز در شکایت از دنیا و مافیها:

زین خانه خاک پوش تا کی زان خوردن زهر و نوش تا کی
آن خانه عنکبوت باشد کو بندد زخم و گه خراشد
(همانجا)

۲-۶-۲-۴ خطاب و تقاضا، همراه شکایت از ساقی:

در ساقی‌نامه دوم موارد معدودی نیز وجود دارد که در آن متشاکگی همان ساقی است و شاعر از او گلایه‌مند است:

بیا ساقی از سر بنه خواب را می ناب ده عاشق ناب را
(همان: ۷۵۸)

شاعر علاوه بر «خطاب تجنب» به ساقی، از او می‌خواهد تا خواب را کنار بگذارد و به شاعر مخمور عاشق، می‌بدهد. به دیگر سخن، متشاکگی، ساقی است و شاعر از تعلل او شکایت دارد. درخواست شاعر از ساقی برای «به‌اندازه کردن صبوری» نیز حاکی از تعلل ساقی و شکایت شاعر مخمور از اوست:

بیا ساقی از میِ دلم تازه کن در این ره، صبوری به اندازه کن
(همان: ۸۶۰)

۲-۶-۵-۲-۵ خطاب و تقاضا، ضمن شکایت هم‌زمان از خویشان و ساقی:

در یک مورد نیز متشاکمی بثلشکوی، ساقی و شاعر، هر دو هستند:

بیا ساقی آن شب چراغ مغان بیاور ز من بر میاور مغان
چراغی کزو چشم‌ها روشن است چراغ دلم را از او روغن است
(همان: ۸۶۶)

در این مثال، هم شکایت شاعر از تاریکی درون خود (بالکنایه) مطرح شده و هم از مصراع دوم بیت نخست می‌توان تعلل ساقی و شکایت شاعر از این تعلل را دریافت.

۳- نتیجه

مطالعه کیفی ساقی‌نامه‌های نظامی، از نظر بهره‌گیری از خطاب، تقاضا و بثلشکوی، نشان‌دهنده آن است که نظامی به کارکرد و تأثیر آن‌ها به عنوان ابزارهایی برای تأثیرگذاری بر مخاطب کاملاً واقف بوده است. او از انواع مختلف خطاب، از جمله تهییج، تجنب، تعجیز، ذم، مدح، کرامه و اهم برای تأثیرگذاری بر خواننده شعر خویش استفاده کرده است. خطاب‌های تهییج در شعر نظامی که معمولاً مخاطب آن ساقی است، بسیار به خطاب استعطاف نزدیک است، به نحوی که می‌توان خطاب تهییج در ساقی‌نامه‌های او را عموماً از نوع استعطاف دانست. البته این بدان معنا نیست که وی نسبت به ساقی از خطاب تجنب بهره نمی‌برد.

خطاب‌های تجنبی که مخاطب آن ساقی است، معمولاً حاوی بثلشکوی از اوست و غرض از آن، پرهیز دادن ساقی از تعلل در دادن می به شاعر مخمور است. نکته مهم آن است که بثلشکوی نظامی در این دو ساقی‌نامه بیش از آن‌که متوجه ساقی باشد، از

خود او و روزگار و اهل آن است. او در شکایت از خود بیش‌تر روی به حال ناخوش خویش دارد.

همچنین، شکایات این شاعر از روزگار نیز معمولاً به علت ناسازگاری روزگار با شاعر و نیز گذر عمر است که شاعر گاهی با خطاب تعجیب‌بخش، ناچاری خود در مقابل روزگار را نیز مطرح کرده است. استفاده پربسامد از خطاب و بث‌الشکوی در این اشعار تا آن‌جاست که می‌توان در شعر نظامی، این دو را جزو ویژگی‌های اصلی ساقی‌نامه‌های او دانست.

در ادامه تلاش می‌شود تا به منظور مطالعه هرچه دقیق‌تر ویژگی‌های ساقی‌نامه، موارد خطاب (تقاضا، تجنب و...) و بث‌الشکوی را در دو شعر نظامی، از نظر کمی بررسی کنیم. در این باب باید به چند نکته توجه داشت:

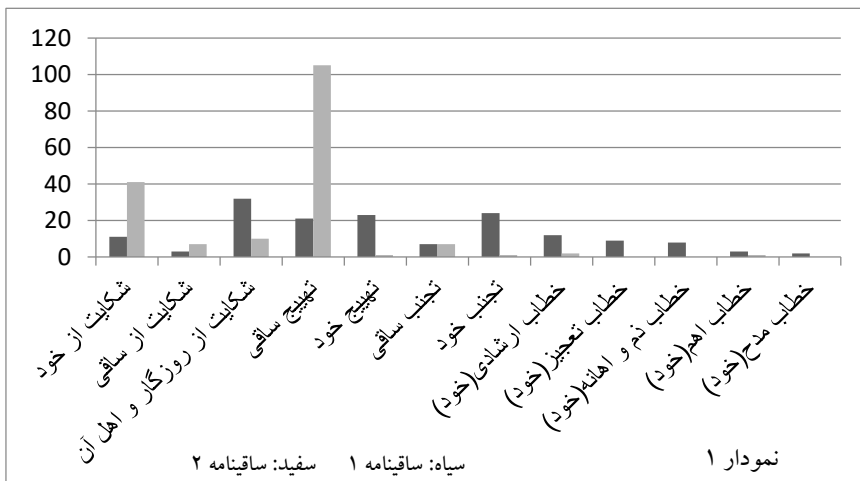
۱) در مطالعه کمی خطاب‌ها و بث‌الشکوی‌ها هر مورد خطاب یا بث‌الشکوی لحاظ شده است. این بدان‌معنا است که ممکن است در یک بیت یا یک جمله چندین مورد خطاب یا بث‌الشکوی وجود داشته باشد و در بیت یا جمله‌ای دیگر هیچ موردی ملاحظه نشود. از این‌رو، رابطه معناداری بین تعداد جملات و ابیات با تعداد خطاب و بث‌الشکوی وجود ندارد.

۲) با توجه به معنای جملات، گاهی یک مورد خطاب یا بث‌الشکوی در گروه‌های مختلف قرار گرفته است.

۳) طبیعتاً اعداد به دست‌آمده تقریبی هستند و ممکن است با خوانش پژوهش‌گر دیگر تغییر کنند: طی بررسی کمی ساقی‌نامه نخست نظامی، تهییج ساقی ۲۱ بار؛ تجنب ساقی ۶؛ شکایت از ساقی ۴؛ شکایت از روزگار و اهل آن ۳۲؛ تهییج خود ۲۳؛ تجنب خود ۲۴؛ شکایت از خود ۱۱؛ خطاب مدح (خود) ۲؛ خطاب ذم و اهانه (خود) ۸؛ خطاب اهم (خود) ۳؛ خطاب ارشادی (خود) ۱۲؛ و خطاب تعجیب (خود) ۹ بار ملاحظه شد.

موارد مذکور در ساقی‌نامهٔ دوم حکیم گنجه‌ای بدین قرار است: تهییج ساقی ۱۰۵ بار؛ تجنّب ساقی ۷؛ شکایت از ساقی ۷؛ شکایت از روزگار و اهل آن ۱۰؛ تهییج خود ۱؛ تجنّب به خود ۱؛ شکایت از خود ۴۱؛ خطاب اهم (خود) ۱؛ خطاب ارشادی (خود) ۲ بار ملاحظه شد.

همچنین، ملاحظه شد که شواهد خطاب تجنّب به ساقی معمولاً همراه شکایت است. خطاب تهییج به صورت معناداری بیش از خطاب‌های دیگر است. در ساقی‌نامهٔ نخست این نوع خطاب به ساقی و نفس شاعر به یک اندازه و در ساقی‌نامهٔ دوم، تهییج ساقی بسیار بیش از تهییج خود (شاعر) است. بیش‌ترین بث‌الشکوی شاعر از خود، سپس از روزگار و در موارد معدودی، از ساقی است. خطاب تجنّب به خود نیز بسیار بیش از این نوع در خطاب به ساقی است.



نمودار ۱

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. دادبه، اصغر (۱۳۸۱)، دانش‌نامه بزرگ اسلامی، زیر نظر: محمدکاظم بروجردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۳. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، انواع شعر فارسی، چاپ دوم، شیراز، نوید شیراز.
۴. رضایی، احترام (۱۳۸۸)، ساقی‌نامه در شعر فارسی، تهران، امیرکبیر.
۵. شمیسا، سیروس (۱۳۹۱)، معانی، ویرایش دوم، چاپ سوم، تهران، میترا.
۶. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دهم، تهران، فردوسی.
۷. علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۳۶۳)، الذریعه الی اصول الشریعه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
۸. فخرالزمانی قزوینی، ملاعبدالنبی (۱۳۶۷)، تذکره میخانه، به تصحیح، تنقیح و تکمیل تراجم: احمد گلچین معانی، چاپ پنجم، تهران، اقبال.
۹. گلچین معانی، احمد (۱۳۵۹)، تذکره پیمانان، مشهد، دانشگاه مشهد.
۱۰. معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین (یک‌جلدی): همراه با تلفظ کامل و نشانه‌های اختصاری، تهران، فرهنگ نما و کتاب آزاد.
۱۱. نظامی گنجوی، جمال‌الدین ابومحمد (بی‌تا)، شرف‌نامه، به کوشش: وحید دستگردی، تهران، علمی.
۱۲. ----- (۱۳۹۰) *خمسۀ نظامی* (بر اساس چاپ آکادمی علوم آذربایجان، با بازبینی تازه)، چاپ سوم، تهران: هرمس.

ب) مقاله‌ها

۱۳. ابوالقاسمی، سیده مریم (۱۳۸۶)، «تأملی بر ساقی‌نامه حکیم فغفور گیلانی»، مجله شناخت، ش ۵۴، صص ۱۸-۱.
۱۴. پارسا، سیداحمد و محمد آزادمظهر (۱۳۸۹)، «ساقی‌نامه‌ها نزدیک‌ترین نوع ادبی به رباعیات خیام»، مجله ادب پژوهی، ش ۱۱، صص ۸۶-۶۱.

۱۵. ثروتیان، بهروز (۱۳۷۰)، «فلک جز عشق محرابی ندارد (درباره ارتباط ساقی نامه و مغنی نامه حافظ با نظامی گنجه‌ای)»، مجله ادبستان فرهنگ و هنر، ش ۱۸، صص ۳۹-۳۴.
۱۶. جوکار، منوچهر (۱۳۸۵)، «ملاحظات در ساختار ساقی نامه با تأکید بر دو نمونه گذشته و معاصر»، مجله پژوهش‌های ادبی، ش ۱۲ و ۱۳، صص ۹۹-۱۲۲.
۱۷. حسینی کازرونی، سیداحمد (۱۳۸۶)، «تبیین حقایق عرفانی و معرفت‌شناسی در ساقی‌نامه‌های ادب فارسی»، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۲، صص ۵۲-۳۱.
۱۸. حلبی، علی اصغر (۱۳۵۶)، «بث شکوی، یا درد دل یک حکیم»، مجله یغما، سال سی‌ام، ش ۱۲، پیاپی ۳۵۴، صص ۷۵۷-۷۵۳.
۱۹. زرین‌چیان، غلام‌رضا (۱۳۵۵)، «ساقی‌نامه در ادب فارسی»، مجله جستارهای ادبی، ش ۴۷، صص ۵۸۶-۵۸۱.
۲۰. سهلانی، سیدمحمدجواد (۱۳۸۲)، «بث شکوی در شعر فارسی»، مجله کیهان فرهنگی، ش ۲۰۵، صص ۷۱-۶۹.
۲۱. شیدا، شهرزاد (۱۳۸۵)، «ساقی‌نامه‌ها در ادب فارسی»، مجله رودکی، ش ۱۲ و ۱۳، صص ۳۵-۳۰.
۲۲. متینی، جلال (۱۳۷۰)، «حکیم نظامی شاعری اندیشه‌ور»، مجله ایران‌شناسی، سال سوم، شماره ۳، صص ۴۶۹-۴۵۰.
۲۳. محبوب، محمدجعفر (۱۳۳۹)، «ساقی‌نامه-مغنی‌نامه»، مجله سخن، دوره ۱۱، ش ۱، صص ۷۹-۶۹.
۲۴. معیری (رهی)، محمدحسین (۱۳۲۹)، «ساقی‌نامه‌ها»، مجله دانش، شماره ۱۶، صص ۲۲۸-۲۲۱.
۲۵. مقیسه، محمدحسن (۱۳۹۲)، «درون‌مایه ساقی‌نامه‌ها (با نگاهی بر تاریخ، اهداف، قوالب و اوزان و ساختار ساقی‌نامه‌سرای)»، مجله ادبیات فارسی، ش ۲۲، صص ۱۶۰-۱۴۱.
۲۶. میرباقری فرد، سیدعلی اصغر و زهره اسماعیلی (۱۳۸۸) «بررسی نظریه ارتباط و خطاب در مثنوی»، مجله پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی، سال ۱، ش ۲، تابستان، صص ۶۶-۵۳.
۲۷. میرهاشمی، سیدمرتضی (۱۳۸۴)، «نقش خیام در پدید آمدن ساقی‌نامه‌ها»، مجله فصل‌نامه هستی، ش ۱، صص ۵۳-۵۲.
۲۸. هاشمی، سیدمرتضی (۱۳۹۲) «نکته‌ای چند درباره تحول شکلی و معنایی ساقی‌نامه‌ها، با تأکید بر تذکره میخانه»، مجله ادب فارسی، سال ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۹۹-۸۱.

ج) پایان‌نامه‌ها

۲۹. شفیعیان، زهرا (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل ساقی‌نامه‌های ادب فارسی (بر اساس پنج شاعر برجسته)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی: مسعود فروزنده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شهرکرد: دانشگاه شهرکرد.

۳۰. فدایی‌زاده، صفورا (۱۳۸۸)، زمینه‌های پیدایش می‌عرفانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی: محمود درگاهی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زنجان: دانشگاه زنجان.

۳۱. فرزی، فرزاد (۱۳۸۹)، نقد و بررسی ساقی‌نامه‌های عصر صفوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی: بیژن ظهیری‌ناو، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.

۳۲. مظهری، آزاد (۱۳۸۸)، تأثیر اندیشه‌های خیّامی بر ساقی‌نامه‌های فارسی با تأکید بر ساقی‌نامه‌های مندرج در تذکره میخانه و پیمان، پایان‌نامه دکتری، به‌راهنمایی: سیداحمد پارسا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه پیام نور تهران.

۳۳. نوری باهری، محمدعلی (۱۳۹۲)، شکواییه در شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن هشتم، پایان‌نامه دکتری، به‌راهنمایی: اسدالله واحد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تبریز: دانشگاه تبریز.